

موسسه آموزش عالی رسام
غیردولتی - غیرانتفاعی

معرفت

سال دوم شماره شش تیر ۹۸

روز قلم

زبان مادری زبان رسمی

چاپ در اروپا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

۳ سخن سردبیر
۴ روز قلم
۶ زبان مادری زبان رسمی
۷ چاپ در اروپا



موسسه آموزش عالی رسام
غیردولتی - غیرانتفاعی



نشریه فرهنگی معرفة با حمایت های
معاونت دانشجویی _ فرهنگی دانشگاه رسام
منتشر میشود.

طراح و صفحه آرا: غزاله فرهنگ

ارتباط با ما:

rasamuniversity.info@gmail.com

www.rasam.ac.ir

سردبیر سخن

به لطف پروردگار و تلاش همکاران عزیز
موجبات تهیه ی شماره ی ششم نشریه فرهنگی
نیز فراهم شد. در این شماره سعی ما در بخش
ارائه محتوا بیشتر بر این بود که اطلاعاتی
کاربردی و مفید را در اختیار شما عزیزان قرار
دهیم. که ترجیحا کمتر به آن پرداخته
شده و یا حتی یادآوری آن ها نیز
مفید و مهم باشد.

روز قلم

به مناسبت روز قلم

سوگند خداوند در قرآن به نام قلم، گویاترین شاهد بر شرافت و قداست آن است

انجمن قلم به عنوان روز قلم نام‌گذاری شد. با این حال این مناسبت هنوز چندان در میان مردم و حتی اصحاب قلم و اندیشه شناخته‌شده نیست.



تاریخ نوشتن

تاریخ نوشتار، حداکثر به بیست هزار سال پیش باز می‌گردد و با محدود ساختن به نظام های نوشتاری مدون، رقمی حدود شش هزار سال پیش را نشان می‌دهد. این ارقام و آمارها فقط تخمینی است از سوی کاوشگران علمی، در صورتی که بدون شک پیشرفتی از سوی جوامع گوناگون، بدون کمک خط و زبان امکان پذیر نبوده است.

از جمله موادی که برای نوشتن به کار می‌رفته سنگ، چوب، پوست حیوانات، برگ درختان، استخوان، موم، ابریشم، پنبه و

قلم، زبان عقل و معرفت و احساس انسان ها و بیان کننده اندیشه و شخصیت صاحب آن است. قلم، زبان دوم انسان هاست. هویت، چیستی و قلمرو قلم بسیار گسترده تر از آن است که در بیان بگنجد.

روز چهاردهم تیر ماه به پیشنهاد انجمن قلم ایران و تصویب شورای فرهنگ عمومی، به عنوان (روز قلم) در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسید.

پیشینه روز قلم

البته توجه به قلم در سرزمین ما پیشینه‌ای دیرینه دارد. سده‌ها پیش در ایران باستان، تیرگان (سیزدهم تیرماه) یکی از مهم‌ترین جشن‌های ایران باستان بوده که آیین‌های مخصوصی داشته و یکی از آنها پاسداشت قلم بوده است. یکی از دلایلی که برای این جشن ذکر شده، این است که در این روز، هوشنگ، پادشاه پیشدادی ایران، نویسندگان و کاتبان را به رسمیت شناخت و آنان را گرامی داشت، مردم جشن گرفتند و آن جشن به یاد ارجمندی قلم بر جای ماند. دلیل دیگری هم که برای این جشن ثبت شده، این است که به نوشته‌ی ابوریحان بیرونی، سیزدهم تیرماه، روز ستاره‌ی تیر یا عطارد است و چون عطارد، کاتب ستارگان است، می‌توان سیزدهم تیرماه را روز نویسنده نامید.

پس از انقلاب نیز نویسندگان و شاعران سرشناسی چون محمدعلی سپانلو سیزدهم تیرماه را به عنوان روز قلم و نویسنده پیشنهاد دادند، تا این‌که چهاردهم تیرماه از جانب

است، روز به روز همراه با صنعت رو به رشد نیز تغییر می کند. اگر چه هنوز کتاب خانه های الکترونیکی و اداره های بدون کاغذ و قلم و جامعه های بدون کتاب نیامده است و شاید هرگز نیاید، ولی موقعیت ابزار و مواد نوشتنی از بنیاد دگرگون شده است. این دگرگونی در ظاهر قلم ها و نوشته ها، نه تنها از ارزش قلم و صاحبان آن نمی کاهد، بلکه به دلیل انتقال لحظه ای نوشته ها، هرآینه مسئولیت و وظیفه قلم را صدچندان می کند.



جایگاه قلم در اسلام

سوگند خداوند در قرآن به نام قلم، گویاترین شاهد بر شرافت و قداست آن است: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ سوگند به قلم و آنچه نویسند.» در جایی که خداوند، صاحب هستی به آفریده ای از آفریده های خود قسم یاد می کند، بشر در چه جایگاهی می تواند از ارج و منزلت آن سخن براند. در نخستین ارتباط و حیاتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با مبدأ هستی در غار حرا، سخن از قلم به میان می آید، تا جایی که خداوند خود را این گونه معرفی می کند: «الذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ آن که با قلم آموخت.»

با سیری در زندگی پیامبر و امامان علیهم السلام می توان توجه و اهتمام عملی به نوشتن را از متن سیره آنان دریافت. این قدرشناسی به حدی بود که گاه موجب آزادی اسیران کفار می گشت. در صدر اسلام، پس از پایان برخی جنگ ها، پیامبر دستور می فرمود اسیرانی که به ده نفر از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزند، آزاد شوند. این عمل در جامعه محروم از تمدن آن دوره، زیباترین و مؤثرترین پیام برای ارج نهادن به جایگاه قلم و علم بوده و هست.

کاغذ را می توان نام برد.

در طول تاریخ، نوشتن به دو صورت بوده است: یک دسته خطوطی را در برمی گرفت که با استفاده از ابزارهای تیز چون سوزن، چاقو و... نوشتاری، کنده کاری می شد. دسته دیگر شامل خطوطی است که به وسیله قلم پر، قلم نی، قلم مو و... و با استفاده از جوهر بر سطح ماده نوشتاری ترسیم می گردید. گفتنی است نسخه برداری از نوشته ای بر سنگ یا فلز به طور منطقی، در نهایت به اختراع چاپ انجامید.

قلم چیست؟

قلم، زبان عقل و معرفت و احساس انسان ها و بیان کننده اندیشه و شخصیت صاحب آن است. قلم، زبان دوم انسان هاست. هویت، چپستی و قلمرو قلم بسیار گسترده تر از آن است که در بیان بگنجد. هرگونه رشد و پیشرفت، پیروزی و آرامش و معرفت و شناخت، ریشه در قلم دارد. تمدن ها، تجربه های تلخ و شیرین و علوم با نوشتن ماندگار می شوند.

هر کس می تواند قلمی را بین انگشتانش بفشرد و فرمانش دهد که بنگارد و هر آنچه را از مخیله صاحب انگشت تراوش می کند، بنویسد. قلم، تخریب می کند. می سازد. واقعیت ها را آشکار می کند. آشکارها را پنهان می کند. به واقع قلم، معجزه ای جاودان است.



قلم مدرن

در آغاز قرن بیستم، کسی این تردید را به خود راه نمی داد که قلم و کاغذ را مهم ترین و مؤثرترین ابزار ذخیره سازی اطلاعات بدانند؛ زیرا در آن زمان جوامع از نظر اقتصادی و فکری به جامعه های کاغذ مدار تبدیل شده بود.

اما پایه های این باور پس از چندی به لرزه درآمد و با ظهور رایانه، رشد سریع فناوری اطلاعات، تلویزیون، استفاده های گوناگون از میکرو فیلم، میکرو فیش و ابزارهای الکتریکی، برتری بی رقیب کاغذ و قلم سنتی، به طور جدی به مبارزه طلبیده شد.

همان طور که در طول تاریخ، شکل ظاهری قلم عوض می شده

زبان رسمی زبان مادری

حاکمیت، از جمله سیاست سرکوب و به ریش خند گرفتن فرهنگ‌ها و زبان‌ها و لهجه‌های بومی تایید می‌شد و تیشه به ریشه وحدت ملی می‌زد و بیش از هر چیز به زبان فارسی خسارت وارد می‌کرد.

این درحالی است که زبان فارسی میراث مشترک همه مردم و اقوام ایرانی است و سهم اقوام ترک و کرد و بلوچ و... در این زبان و آثار ادبی آن اگر بیش‌تر از دیگران نباشد، قطعاً کم‌تر نیست. از سوی دیگر زبان‌ها و گویش‌های بومی، از مشهورترین تا ناشناخته‌ترین آن‌ها، گنجینه‌هایی ارزشمند از میراث ملی هستند که باید تا پای جان از آن‌ها پاس‌داری کرد. بدون یاری گرفتن از این گنجینه بسیاری از تحقیقات، از جمله بسیاری از مطالعات لغوی و ریشه‌شناسی زبان فارسی نیز ناممکن است.

بعد از حدود یک قرن، باتوجه به سرمایه‌گذاری هنگفت بیگانگان برای بهره‌برداری از گسل‌های فرهنگی و زبانی و قومیتی، تا دیرتر نشده، باید به سوءتفاهمات زبانی موجود خاتمه داد.



در طول تاریخ بیش‌تر مردم ایران، حتی بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی‌گو، از دو زبان استفاده می‌کرده‌اند. یکی از این زبان‌ها زبان مادریشان بوده و دیگری زبان فارسی دری. آنان زبان نخست را در خانه و در محاورات روزمره و زبان رسمی را که آن را در مکاتب و مدارس یاد می‌گرفتند، در مکاتبات و نگارش‌های رسمی و دیوانی و نامه‌نگاری‌ها، خصوصاً در نگارش‌های ادبی به کار می‌بردند. تنها در مناطقی مثل خراسان بود که زبان بومی و مادری با زبان رسمی یکی بود.

ناصر خسرو در سفرنامه، به عنوان مثال از قطران تبریزی نام می‌برد: «و در تبریز قطران نام شاعری را دیدم، شعر نیک می‌گفت، اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من خواند و هر معنی که او را مشکل بود از من بپرسید. با او بگفتم و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من بخواند.»

تا پیش از اوایل قرن اخیر و برسرکار آمدن دولت‌هایی که سیاست سرکوب اقوام ایرانی و نوعی نژادپرستی را در پیش گرفتند، هرگز هیچ فرد ایرانی تعارضی میان این دو زبان احساس نمی‌کرد و وجود یکی را به معنی نفی و حذف دیگری نمی‌پنداشت.

متأسفانه از آن روزگار با رواج تعصبات زبانی و نژادی که امری کاملاً وارداتی بود، این تصور در اذهان برخی از مردم پیش آمد که گویا زبان فارسی رقیب زبان مادری و گویش محلی آن‌هاست و به عنوان یک زبان غالب و حاکم قصد از میان برداشتن زبان‌ها و لهجه‌های بومی را دارد. این احساس خطر متأسفانه با برخی شواهد و قرائین سیاسی و فرهنگی از جانب

چاپ در اروپا

پدر یوهانس به کار در ضرابخانه ادامه داد اما دیگر عضو شورای شهر نشد. یوهانس نیز در کنار پدرش در ضرابخانه کار می‌کرد. او به عنوان یک زرگر باید به فلزشناسی آشنا می‌بود و همین‌طور می‌آموخت چگونه طلای ذوب شده را در قالب‌ها بریزند. گوتنبرگ سالیان سال پیش پدرش کار کرد تا اینکه در ۱۴۱۹ پدرش مرد. گوتنبرگ به دانشگاه رفت. او نیز همانند دیگر مردمان اروپا در آن زمان که بعدها عصر نوزایی و رنسانس نام گرفت، تشنه دانش بود. فشارهای سیاسی اصناف به نجیب‌زادگان زیاد شده بود. یوهانس مجبور شد تا بار دیگر شهر را ترک کند و به استراسبورگ برود.

او سال‌های بعد را صرف تحقیق و بررسی بر روی ماشین چاپ کرد. انواع فلزات و قالب‌ها را آزمایش نمود تا به صفحه‌ای از حروف چاپی قالب حمل دست یافت. او برای تکمیل این دستگاه به پول نیاز داشت. فوست، سرمایه‌داری نجیب‌زاده را راضی کرد تا او را حمایت مالی کند. او از فوست دو بار قرض کرد اما نتوانست پول‌هایش را پس بدهد.

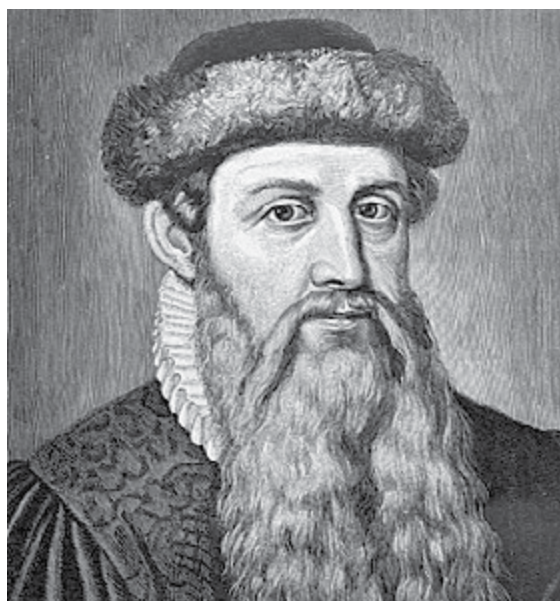
در سال ۱۴۵۵ در حالی که ۵۷ سال داشت و تقریباً نیمی از کتاب مقدس را به صورت چاپی آماده کرده بود، فوست طاقتش را از دست داد و از او شکایت کرد. رای دادگاه مشخص بود؛ برگشت وجه به فوست یا ضبط اموال یوهانس از جمله دستگاه چاپ. یوهانس نمی‌توانست پول فوست را پس دهد پس بنابراین دستگاهش را که دسترنج سال‌ها تحقیق بود از دست داد. فوست چاپخانه‌ای تأسیس نمود و با طراحی آرمی مخصوص به چاپ کتاب مقدس پرداخت و سرمایه‌ای عظیم بدست آورد.

یوهانس نیز چاپخانه خود را در سال‌های آخر عمرش تأسیس نمود و از نو کار ساخت آن را انجام داد. یوهانس گوتنبرگ پدر صنعت چاپ و مخترع ماشین چاپ در سال ۱۴۶۸ در ماینز المان درگذشت.

وهانس گوتنبرگ

(به آلمانی: Johannes Gutenberg)، (زاده حدود ۱۳۹۸ (میلادی) در ماینتز، درگذشت ۳ فوریه ۱۴۶۸ در ماینتز)، زرگر آلمانی و اولین مخترع ماشین چاپ و صنعت چاپ در اروپا بود. از یوهان گوتنبرگ اغلب به عنوان مخترع صنعت چاپ یاد می‌شود اما آنچه را که او انجام داد ابداع اولین روش استفاده از حروف چاپی قابل جابجایی و ماشین چاپ بود که این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان مطالب نوشته‌شده گوناگون را با سرعت و دقت به چاپ رساند. البته این صنعت ۴۰۰ سال قبل از وی توسط یک بازرگان چینی به نام بی شنگ استفاده می‌شد و حدود ۲۰۰ سال قبل نیز در کره مورد استفاده قرار می‌گرفت.

مهم‌ترین اثر گوتنبرگ انجیل گوتنبرگ یا انجیل ۴۲ سطری است، که از لحاظ زیبایی خطی و کیفیت صنعتی آن در زمان خودش انجیلی بی‌نظیر بود.



تأثیر بر صنعت چاپ

چاپ باسمه‌ای

چاپ باسمه‌ای قرن‌ها قبل از گوتنبرگ در چین شناخته شده بود، باستان‌شناسان نیز توانسته‌اند یک کتاب چاپی که تاریخ آن به سال ۸۶۸ برمی‌گردد در چین کشف کنند. مهر و انگشترهای خاتم نیز که اساس کارش همان شیوه چاپ باسمه‌ای می‌باشد از زمان‌های باستان به کار گرفته می‌شده‌است. در غرب نیز قبل از گوتنبرگ با چاپ آشنا بودند.

چاپ باسمه‌ای، امکان تولید نسخه‌های متعدد از یک کتاب را فراهم می‌کرد اما یک مشکل اساسی داشت از آنجا که برای هر کتابی باید یک سری کامل و جدید از صفحات ساخته می‌شد و حروف روی چوب حک می‌شد، این روش برای تولید کتاب‌های مختلف عملی نبود.

حروف چاپی قابل جابجایی

گفته شده‌است که سهم عمده گوتنبرگ در صنعت چاپ اختراع حروف چاپی قابل جابجایی بوده‌است. در واقع حروف چاپی قابل جابجایی نیز در اواسط قرن یازدهم در چین توسط شخصی به نام بی‌شنگ اختراع شده بود. اما چون صنعت چاپ تنها پس از اروپا و پس از اینکه چینی‌ها روش‌های جدید آن را از اروپایی‌ها فراگرفتند در چین همگانی شد، صنعت چاپ به شکل امروزی‌اش را به بی‌شنگ و چینی‌ها نسبت نمی‌دهند.

حروف چاپی را در آن زمان با نوعی سفال می‌ساختند که طبعاً نمی‌توانست زیاد بادوام باشد.

بعدها چینی‌ها و کره‌ای‌ها در ساخت حروف چاپی قابل جابجایی اصلاحاتی به‌وجود آوردند، پس از آن دولت کره در اوایل قرن پانزدهم از ایجاد یک کارگاه ریخته‌گری برای تولید حروف چاپی فلزی حمایت کرد و پس از آن و مدتی قبل از گوتنبرگ، کره‌ای‌ها حروف چاپی فلزی را جایگزین حروف سفالی کردند.

روش جدید چاپ

برای بهره‌گیری از روش‌های جدید چاپ ۴ عامل عمده باید وجود داشته باشد:

حروف چاپی قابل جابجایی همراه با سیستم حروف چینی ماشین چاپ

مرکب مناسب برای چاپ

ماده مناسب برای چاپ روی آن، مانند کاغذ

کاغذ سال‌ها قبل در چین توسط تسائی لون اختراع شده بود و در غرب نیز قبل از گوتنبرگ به شکلی گسترده از آن استفاده می‌شد. این تنها عامل از عوامل چهارگانه مورد نیاز چاپ بود که گوتنبرگ به شکل آماده در دسترس داشت. اگر چه در مورد سه عامل دیگر قبل از گوتنبرگ کارهایی انجام شده بود ولی گوتنبرگ اصلاحات و ابداعات مختلف و متعددی در هر یک از آن‌ها پدیدآورد.

وی ظاهراً بدون اطلاع از کار چینی‌ها، حروف قابل انتقال را اختراع کرد و برای هر یک از حروف الفبا یک حرف جداگانه به کار برد. حروف متحرک را چینی‌ها اختراع کردند، ولی گوتنبرگ که حرفه‌اش زرگری بود، آلیاژ مناسب برای ریخته‌گری حروف را از سرب و آنتی‌موآن به‌دست‌آورد و سپس نسبت هر یک از این دو فلز را به گونه‌ای انتخاب کرد که حروف بیش از حد سخت و نرم نباشند. وی برای مرکب روغنی چاپ هم فرمول مناسبی یافت همچنین پرس مناسبی هم برای چاپ ابداع کرد و خلاصه با رفع موانع و حل مشکلات، عمل چاپ را میسر و اجرایی کرد.

صنعت چاپ برخلاف تمام اختراعات پیشین اصولاً یک دستگاه تولید انبوه است. یک نسخه از یک کتاب چاپی به خودی خود چیزی برتر از نسخه خطی آن نیست اما مزیت اصلی چاپ در تولید انبوه آن است. آنچه که گوتنبرگ ابداع کرد تنها یک ابزار و یک وسیله یا حتی انجام یک سلسه اصلاحات در آنچه که وجود داشت، نبود بلکه ابداع یک سامانه کامل تولید بود.

